

«فرهخیختگان» تغییرات در سطوح امنیتی نظامی رژیم در دو سال اخیر را بررسی می‌کند

شاباک، موساد و شین بت؛ محله برویا



علی مژوعی
خبرنگار گروه سیاست

بعد از عملیات ۷ اکتبر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با هدف احیای تصویر شکست خورده رژیم، جنگ را با دو هدف نابودی حماس و بازگرداندن اسرا آغاز کرد. بعد از بیش از ۲ سال کشتار زنان و کودکان در غزه این رژیم نه تنها نتوانست اسراش را بدون دادن امتیازی برگرداند که حماس نیز از بین نرفت. قسه تلخ برای صهیونیست‌ها آن بود که برای آزادی اسرا آن‌ها ناچار شدند به شکلی با حماس مذاکره کنند. هم‌زمان با ناکامی در غزه، رژیم صهیونیستی با حمایت لجستیکی و فرماندهی آمریکا دامنه تنش را در منطقه گسترش داد و به چندین کشور از جمله ایران حمله کرد تا شکست بزرگ غزه را با یک تصویر جدید جایگزین کند. تلاش برای براندازی حکومت و تجزیه ایران در ۱۲ روز جنگ، رنگ باخت و ضربات سخت تهران، منجر به عقب‌نشینی اسرائیل شد. در لبنان نیز علی‌رغم فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا، حزب الله همچنان بر موضع خود مبنی بر تن ندادن به خلع سلاح تأکید می‌کند. البته براندازی حکومت بشار اسد در سوریه یک تغییر سیاسی مهم به نفع نتانیاهو بود که باعث شد اسرائیل بتواند جای پای خود در بلندی‌های جولان را محکم کرده و زیرساخت‌های نظامی سوریه را نیز نابود کند، اما این اتفاق نمی‌تواند اسرائیل را طرف پیروز نبرد بکند. آنچه در میدان نبرد رخ داده به قدری سنگین بوده است که در یک بازه ۲ ساله شاهد فهرستی بلندبالا از استعفا و عزل مقامات نظامی و امنیتی اسرائیل باشیم. جدیدترین مورد این استعفاهای نیز کناره‌گیری مرد شماره ۲ امنیت داخلی اسرائیل است. در همین راستا «دیوید زینی»، رئیس سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی موسوم به «شاباک» اعلام کرد در خواست استعفاي معاون خود را پذیرفته است. نایب‌رئیس شاباک که هویت او بنا به دلایل امنیتی فاش نشده است پس از ۳۰ سال فعالیت در این سازمان از سمت خود استعفا کرد. استعفا بعد از یک دوره ۳۰ ساله شائبه برکناری او را پررنگ می‌کند. پس از این استعفا، کمیته مشورتی انتصابات در مناصب ارشد به اتفاق آرا، انتصاب یک سرلشکر بازنشسته و گزینه نتانیاهو به عنوان رئیس شاباک را تصویب کرد. به بهانه این استعفا در ادامه فهرستی از مهم‌ترین برکناری‌های خبری شده رژیم صهیونیستی در ۲ سال اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سخنگوی ارتش



رادیو سراسری رژیم صهیونیستی اسفندماه ۱۴۰۳ از استعفای دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش این رژیم خبر داد. پیش‌تر دانیال هاگاری، سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در مصاحبه با شبکه ۱۳ این رژیم علناً به انتقاد از کابینه اسرائیل و



رئیس بخش پژوهش‌های اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی موسوم به «امان» فروردین ۱۴۰۳ از مقام خود کناره‌گیری کرد. عمیت ساعر پیش‌تر اعلام کرده بود استعفاي خود را با اعلام نتایج تحقیقات داخلی ارتش اسرائیل درباره حوادث هفتم اکتبر ۲۰۲۳ ارائه خواهد داد. پیش از این استعفا نیز شبکه ۱۴ رژیم صهیونیستی در اسفندماه ۱۴۰۲ اعلام کرده بود برخی مقام‌های بلندپایه یگان اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی استعفا کرده‌اند.

رئیس رکن اطلاعات نظامی



آهارون هالیوا، رئیس رکن اطلاعات نظامی اسرائیل که متهم بود برآورد غلطی از پاسخ ایران به حمله رژیم صهیونیستی به بخش کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق داشته، پس از پاسخ ایران در نخستین مرحله عملیات وعده صادق ۱ در اردیبهشت ۱۴۰۳ از مسئولیت خود کناره‌گیری کرد. گزارش‌های اشتباه و گمراه‌کننده در خصوص واکنش ایران به این حمله و توانایی‌های دفاعی ایران، هالیوا را ناچار به استعفا کرد.

فرمانده تیپ غزه ارتش



آوی روزنفلد، خرداد ۱۴۰۳ اعلام کرد پس از شکست در مأموریتش در حفاظت از شهرک‌های مجاور نوار غزه، از منصب خود استعفا می‌دهد. فرمانده تیپ غزه استعفاي خود را این‌گونه توجیه می‌کند: «من در مأموریت زندگی خودم که حفاظت از غلاف غزه بود شکست خوردم و همه باید مسئولیت خود را بر عهده بگیرند و من مسئول تیپ غزه هستم.»

۲ عضو کابینه جنگ اسرائیل



بنی گانتس، عضو کابینه جنگ رژیم صهیونیستی خرداد ۱۴۰۳ گفت: «من امروز کابینه اضطراری را با اندوه ترک می‌کنم. از نتانیاهو می‌خواهم که هر چه زودتر به برگزاری انتخابات زودهنگام تن داده و یک کمیته تحقیقات سراسری تشکیل

دهد.» گادی آیزنکوت، عضو دیگر کابینه جنگ رژیم صهیونیستی نیز پس از بنی گانتس رسماً استعفاي خود و خروج از این کابینه را اعلام کرد.

فرمانده یگان ۸۲۰۰



روزنامه عبری «یדיعوت آحارونوت» شهرپور ۱۴۰۳ نوشت: «یوسی شاریتل، فرمانده یگان ۸۲۰۰ ارتش به عنوان بزرگ‌ترین مرکز جمع‌آوری اطلاعات ارتش اسرائیل به دلیل مسئولیتش در شکست‌های اطلاعاتی در هفتم اکتبر و عملیات طوفان استعفانامه خود را به «هرتزی هالوی» رئیس ستاد ارتش ارائه کرد.

وزیر دفاع



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل آبان ۱۴۰۳ پی‌آو‌آ گالانت، وزیر جنگ را برکنار کرد و علت آن را از دست رفتن اعتماد عنوان کرد. در بیانیه نتانیاهو آمده است: «در میانه یک جنگ، پیش از هر زمان دیگری، اعتماد کامل بین نخست‌وزیر و وزیر دفاع [جنگ] لازم است. اگرچه در ماه‌های اول این کارزار چنین اعتمادی وجود داشت و کارهای بسیار ثمربخشی انجام شد، در ماه‌های اخیر این اعتماد بین من و وزیر دچار شکاف شد.»

فرمانده ارتش



بهمن ۱۴۰۳ هرتزی هالوی، فرمانده ارتش اسرائیل استعفاي خود را اعلام کرد. او دلیل این تصمیم خود را ضربه امنیتی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ عنوان کرد. هالوی در نامه استعفاي خود به وزیر جنگ نوشته است: «صبح ۷ اکتبر، ارتش در مأموریت خود برای حفاظت از شهروندان! اسرائیل قصور کرد.»

فرمانده منطقه جنوبی ارتش



بهمن ۱۴۰۳ در ادامه استعفاهای فرماندهان ارتش اسرائیل یارون فنکلمن، فرمانده منطقه جنوبی این رژیم از سمت خود استعفا داد. فنکلمن در نامه استعفاي خود نوشت: «من در ۷ اکتبر در دفاع از القاب غربی و ساکنان آن شکست خوردم،

فرمانده عملیات ارتش



رسانه‌های رژیم صهیونیستی اسفند ۱۴۰۳ اعلام کردند اودید بسویوک، فرمانده بخش عملیات ارتش رژیم صهیونیستی در پی شکست بزرگ در عملیات هفتم اکتبر از سمت خود استعفا کرده و ایپال زمیر، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی که جانشین هالوی شده، این استعفا را پذیرفته است.

رئیس شاباک



۲ روز بعد از آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران یعنی ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ منابع صهیونیستی اعلام کردند روتن بار، رئیس سازمان اطلاعات داخلی رژیم صهیونیستی موسوم به شاباک در پی اختلافات شدید با بنیامین نتانیاهو و فشارهای ناشی از شکست‌های امنیتی از مقام خود کناره‌گیری کرد.

مشاور امنیت داخلی اسرائیل



مهر ۱۴۰۴ نتانیاهو «تساحی هنگبی» مشاور امنیت داخلی اسرائیل را برکنار کرد. هنگبی پس از این برکناری گفت: «باید درباره شکست مفتضحانه حادثه هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (طوفان الاقصی) تحقیقات جامعی انجام شود.» رسانه‌های رژیم صهیونیستی مدعی‌اند که هنگبی با تصمیمات نتانیاهو در جریان جنگ غزه هم‌نظر نبوده و با حمله به قطر و اشغال شهر غزه، مخالفت کرده است.

رئیس موساد



دوره ریاست ۵ ساله دیوید بارنیا از ابتدای سال جدید میلادی یعنی ۷ روز دیگر تمام خواهد شد. بنا بر گزارش منابع عبری در پی اختلافات رئیس موساد و نخست‌وزیر، خبری از تمدید دوباره ریاست بارنیا نخواهد بود. دوماه پیش بارنیا ضمن نوشتن نامه‌ای به نتانیاهو و درخواست برای عدم تمدید ریاستش، مقدّماتی برای جایگزینی دو تن از معاونانش را هم شروع کرده بود. برخی این اقدام بارنیا را نوعی پیش‌دستی در مقابل تصمیم نتانیاهو می‌دانستند تا بتوانند پایان خودش در موساد را بدون برکناری اجباری به دست خودش رقم بزنند.

سانسور آنجایی نیست که آمریکا تصور می‌کند

اقدام دولت آمریکا در اعمال محدودیت و یزایی علیه چند مقام و فعال اروپایی، جدیدترین دعوای واشنگتن و بروکسل را به راه انداخت. دولت ترامپ این بار تیری برتون، کمیسر پیشین اتحادیه اروپا و معمار «قانون خدمات دیجیتال (DSA)» را به همراه چهار فعال حوزه مقابله با اطلاعات نادرست، از ورود به ایالات متحده آمریکا ممنوع کرد. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا با اعلام این تصمیم مدعی شد این پنج نفر در «تلاش‌های سازمان‌یافته برای وادارکردن پلتفرم‌های آمریکایی به سانسور، حذف درآمد و سرکوب دیدگاه‌های آمریکایی» نقش داشته‌اند. به گفته او، این اقدامات با حمایت «سازمان‌های مردنه‌هااد مسلح شده» و در چهارچوب سیاست‌های دولت‌های خارجی انجام شده و مستقیماً شرکت‌های آمریکایی را هدف گرفته است. روبیو تأکید کرد حضور یا ورود این افراد به خاک آمریکا می‌تواند «پیامدهای منفی جدی برای سیاست خارجی ایالات متحده» داشته باشد و به همین دلیل، ویزای آن‌ها لغو شده است. قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا که برتون از طراحان اصلی آن بود، شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل و متا را ملزم می‌کند محتوای غیرقانونی را با شدت بیشتری مدیریت کنند و در صورت تخلف، با جریمه‌های سنگین مواجه شوند. واشنگتن اما این قانون را مصداق «سانسور فرامرزی» می‌داند؛ به‌ویژه آنجا که ممکن است بر محتوای تولیدشده توسط کاربران آمریکایی در پلتفرم‌های مستقر در آمریکا اثر بگذارد. برتون در واکنش به این محدودیت در شبکه اجتماعی ایکس خاطرات مک‌کارتیسم را یادآور شد و نوشت: «آیا شکار جادوگران مک‌کارتی بازگشته است؟» او همچنین اشاره کرد قانون خدمات دیجیتال با رأی ۹۰ درصد پارلمان اروپا و اجماع هر ۲۷ کشور عضو تصویب شده است. او این قانون را حاصل یک‌روند دموکراتیک دانسته و نوشت: «سانسور آنجایی نیست که آمریکا تصور می‌کند.» کمیسرین اروپا نیز با صدور بیانیه‌ای این تصمیم را به‌شدت محکوم کرد و آزادی‌بیان را «ارزش مشترک اروپا و آمریکا» دانست. درعین حال، بروکسل تأکید کرد اتحادیه اروپا حق دارد فعالیت‌های اقتصادی را بر اساس ارزش‌های دموکراتیک خود تنظیم کند. امانوئل مکرورن، رئیس‌جمهور فرانسه هم این اقدام را «ارعاب و فشار برای تضعیف حاکمیت دیجیتال اروپا» خواند. در کنار برتون، نام‌هایی مانند «ژوزفین بالون» و «آنانسا فون‌هودنبرگ»، از فعالان کمپین‌های ضداطلاعات نادرست در آلمان هم در فهرست تحریم‌ها دیده می‌شود. مقام‌های آمریکایی این اقدام را ترسیم «خط‌قرمز» در برابر «سانسور فرامرزی آمریکایی‌ها» توصیف کرده‌اند.

سیاست‌های دونالد ترامپ بود، حمله می‌کردند و نویسندگان را مورد آزار و اذیت آنلاین قرار می‌دادند. در نهایت در ماه می ۲۰۱۹ (اردیبهشت ۹۸)، در پی رسوایی ناشی از حملات مجریان پروژه دیس اینفو به منتقدان داخلی آمریکایی سیاست‌های ترامپ، وزارت خارجه آمریکا بودجه این پروژه را قطع کرد. اکنون در دولت دوم ترامپ، دیگر مسئله به‌تنهایی ایران نیست و دولت ترامپ نیازی نمی‌بیند هزینه‌ای برای ترویج آنچه می‌اندیشد، انجام بدهد. این بار پروژه از سطح جنگ روانی و عملیات رسانه‌ای فراتر رفته و به ابزار رسمی حاکمیتی رسیده که در راستای همان تسویری «دونالد شاه» قابل تعریف است. واشنگتن ترامپ نه تنها خود را محق تعیین مرزهای گفتار در داخل آمریکا می‌داند، بلکه تصور می‌کند می‌تواند برای سیاست‌گذاران و فعالان خارج از مرزهایش نیز خطرقرمز ترسیم کند. بااین حال سران قاره سبز هنوز به راند مرگبار مبارزه با ترامپ نرسیده‌اند و این قسمت جایی آغاز می‌شود که موج تصمیم کاخ سفید، آن‌ها را به دوره وحشتناک «مک‌کارتی» پرتاب کند. «دوره مک‌کارتی» یا مک‌کارتیسم یک دوره سیاه در تاریخ سیاسی آمریکا است که بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۴ جریان داشت. در این دوره جوزف مک‌کارتی، سناتور جمهوری خواه آمریکا، مدعی بود کمونیست‌ها به‌طور گسترده در دولت، ارتش، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و هالیوود نفوذ کرده‌اند. با همین ادعاها، موجی از اتهام‌زنی، باج‌جویی و حذف سیاسی به راه افتاد. او بدون ارائه مدرک، لیست‌هایی از افراد «مشکوک» را منتشر کرد و قربانیان که طیفی از سیاست‌مداران و کارمندان دولتی گرفته تا هنرمندان و نویسندگان را شامل می‌شدند یا شغل خود را از دست دادند یا منزوی شدند. این فضا که به «مک‌کارتیسم» مشهور شد، در مقطعی از تاریخ ایالات متحده منجر به بسته‌شدن مسیر انتقاد از دولت شد، اعتماد عمومی را تضعیف کرد و باعث شد نخبگان فرهنگی و فکری از کشور فرار کنند. اکنون، اقدام دولت ترامپ علیه تیری برتون و چهار فعال اروپایی، نسخه مدرن و فرامرزی همان منطق را نشان می‌دهد. اگر مک‌کارتی با «لیست سیاه» و موج رسانه‌ای داخلی، مخالفان را هدف قرار می‌داد، ترامپ مستقیماً از ممنوعیت ویزا و تهدید به اخراج به‌عنوان ابزار رسمی حاکمیتی استفاده می‌کند. آنچه امروز رهبران اروپایی را نگران کرده، شباهت‌های میان آن تجربه تاریخی و دستور جدید دولت ترامپ است. ممنوعیت ویزا و تهدید به اخراج پنج چهره اروپایی، از جمله معمار قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا بدون طی شدن روند قضایی و با دلایل مبهم و تشخیص وزارت خارجه و با استناد به «پیامدهای منفی برای سیاست خارجی» انجام شده است. ترامپ با این تصمیم بار دیگر خود را در مدار حکمرانی بر جهان قرار و نشان داد اعتراضات آمریکایی‌ها تحت‌عنوان «نه به پادشاه» می‌تواند دوباره شعله‌ور شود.



علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پس از تعریف و ترسیم سکانس‌های ترسناک از فیلم اوتراین برای رهبران اروپا، حالا آن‌ها را به رینگ نزاع دیگری فراخوانده است. روز گذشته (چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴) مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در پستی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد که «برای سال‌های متمادی، ایدئولوگ‌هایی در اروپا کارزارهایی سازمان‌یافته به راه انداخته‌اند تا پلتفرم‌های آمریکایی را وادار کنند به خاطر دیدگاه‌هایی که خوشایندشان نیست، صدهای آمریکایی را تنبیه و سرکوب کنند.» او گفت که دیگر «دولت ترامپ این اعمال آشکار سانسور فرامرزی و تحمیل گرایانه را برنمی‌تابد.» وزیر خارجه از تصمیم وزارت خارجه برای آغاز جلوگیری از ورود آنچه واشنگتن آن را چهره‌های محوری «صنعت جهانی سانسور» به خاک ایالات متحده می‌خواند، خبر داد و دیگران را تهدید کرد اگر در این مسیر «عقب‌نشین» نکنند واشنگتن آماده است این فهرست را گسترده‌تر کند. پس از این پست، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد این وزارتخانه در حال اتخاذ تصمیماتی «قاطع» علیه پنج فردی است که پلتفرم‌های آمریکایی را به «سانسور و سرکوب دیدگاه‌های آمریکایی مخالف خود» وادار می‌کنند. اعلام این خبر، کرختی حاکم بر فضای رسانه‌ای اروپا پس از رکود تحولاتی اوکراین را در هم کشید و واکنش‌های گسترده‌ای به دنبال داشت. اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای شدیدالحن، این تصمیم را محکوم کرد و هشدار داد در صورت تداوم اقدامات «بی‌دلیل»، واکنشی «سریع و قاطع» نشان خواهد داد. این روند نسخه ارتقا یافته همان الگویی است که دولت اول ترامپ در برخی پروژه‌ها تعریف کرده بود. در آن زمان وزارت خارجه آمریکا حدود ۱٫۵ میلیون دلار بودجه برای پروژه‌های موسوم به «ایران دیس اینفو» (پروژه مبارزه با تحریف اطلاعات ایران) تخصیص داد تا با آن علیه افرادی اقدام کنند که مدعی بود در موضوع ایران، مواضعی خلاف سیاست‌های کاخ سفید داشتند. عوامل پروژه ایران دیس اینفو در واقعیت به هر دیدگاهی که در تعارض با

